

چرا آیه مباحله نازل شد؟

۱۶ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۰۳

با نزول آیه مباحله بار دیگر یکی از فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام) از زبان قرآن بیان شد و جایگاه عالی خاندان عصمت و طهارت به بشریت معرفی شد.

مباحله در لغت به معنی ملاعنه و نفرین متقابل می‌باشد. [۱] و در اصطلاح به این معناست که «دو تن یا دو گروه بر علیه یکدیگر دعای بد کنند. پس هر کدام ظالم باشد حق تعالی وی را رسوا گرداند و نعمت و عذاب خود را بر وی فرستد و ذریه او را مستأصل کند و هلاک گرداند». [۲]

در حدیثی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) روایت شده که حضرت فرمود: «خداوند عزوجل به من خبر داده که پس از مباحله عذاب بر گروه باطل نازل می‌شود و حق را از باطل مشخص می‌سازد». [۳]

از روایاتی که در منابع اسلامی نقل شده است، استفاده می‌شود که مباحله اختصاص به زمان رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ندارد و در تمامی زمان‌ها قابل اجرا است. در حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده که ایشان فرمود: اگر سخنان حق شما را مخالفان نپذیرفتند، آن‌ها را به مباحله دعوت کنید. [۴]

داستان مباحله پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با مسیحیان نجران: [۵]

این داستان در برخی از منابع تاریخی و بسیاری از منابع تفسیری شیعه و اهل سنت ذکر شده است. در سال‌های پایانی حیات رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آوازه اسلام به تمامی نقاط دنیای آن روز رسیده بود رسول گرامی اسلام با ارسال نامه به سران کشورها و مناطق مختلف، سعی داشت دین اسلام را گسترش دهد. یکی از نامه‌هایی که رسول مکرم اسلام به مناطق مختلف و سران کشورها نوشت، نامه‌ای است که در سال دهم هجری [۶] برای نصاری نجران ارسال کرد. در این نامه آمده است:

«... من شما را از پرستش بندگان به پرستش خدا و از سرپرستی بندگان به سرپرستی خدا دعوت می‌کنم. اگر امتناع کردید، باید جزیه بپردازید و گرنه شما را به جنگ بخوانم» [۷]

برخی قائلند آیه ۶۴ سوره آل عمران نیز بخشی از این نامه می‌باشد. [۸] در این آیه خداوند متعال می‌فرماید:

«بگو ای اهل کتاب بیائید به سخنی که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را، غیر از خداوند یگانه به خدایی نپذیرند. هرگاه (از این دعوت) سر برتابند، بگوئید گواه باشید که ما مسلمانییم.» [۹]

مسیحیان نجران پس از دریافت نامه به مشورت پرداختند و تصمیم گرفتند؛ هیئتی از بزرگانشان را به مدینه اعزام کنند تا با رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وارد مذاکره و بحث شوند. ابن هشام می‌نویسد:

«هیئتی از نصاری نجران مرکب از ۶۰ نفر برای دیدار پیامبر و مذاکره با آن حضرت وارد مدینه شدند. در میان ایشان، ۱۴ نفر و در میان ۱۴ نفر، ۳ نفر بودند که سمت ریاست و بزرگی بر سایرین داشتند. و مورد احترام مسیحیان آن زمان بودند. یکی ملقب بود به «عاقب» که در آن زمان نامش «عبدالمسیح» بود. دیگری ملقب بود به «سید» و نام او «ایهم» بود. و سومی «اسقف» بود و نامش «ابو حارثه بن علقمه» [۱۰]

ابن سعد در باب نحوه ورود این هیأت به مدینه و برخورد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با آن‌ها می‌نویسد:

«مسیحیان در حالی که جامه‌های نقش دار و گران قیمت و حریر یمنی پوشیده بودند، وارد مسجد شدند و به سوی مشرق نماز گزاردند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به مسلمانان فرمود: آزادشان بگذارید. سپس آن‌ها با همان لباس‌ها نزد پیامبر آمدند. پیامبر آنان را نپذیرفت ... روز بعد در جامه رهبانان آمدند و سلام کردند. پیامبر جواب داد و ایشان را به اسلام دعوت نمود. آن‌ها نپذیرفتند و گفتگو و بحث بسیاری شد.» [۱۱]

مسیحیان در حقانیت دین خود با رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به مجادله نشستند. [۱۲] مسیحیان نجران می‌گفتند: عیسی (علیه‌السلام) خداست و گروهی او را پسر خدا می‌دانستند و دسته سوم، قائل به تثلیث «یعنی به سه خدا قائل بودند؛ پدر، پسر، روح القدس» [۱۳] ابن هشام می‌نویسد:

«مسیحیان به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) گفتند: اگر عیسی (علیه‌السلام) پسر خدا نیست پس پدرش کیست؟... آیات قرآنی نازل شد و خلقت او را همانند خلقت آدم ابوالبشر معرفی کرد.» [۱۴]

مجادله و بحث بین مسیحیان نجران و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ادامه یافت. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با ادله‌ای روشن و براهینی قاطع گفتارهای باطل آنان را رد می‌کرد و به سؤالات آن‌ها پاسخ می‌گفت. اما مسیحیان هم‌چنان حق را انکار می‌کردند و بر عقاید باطل خویش اصرار می‌ورزیدند. در این هنگام آیه ۶۱ سوره آل عمران نازل شد [۱۵] و مسیحیان نجران به مباحثه دعوت

شدند. در این آیه آمده است:

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران/۶۱)

«هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند به آن‌ها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت می‌کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت می‌کنیم، شما زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت می‌کنیم، شما هم از نفوس خود. آنگاه مباحله می‌کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم.»

زمان وقوع این مباحله را ۲۴ ذی الحجه الحرام [۱۶]، سال دهم هجری [۱۷] ذکر شده است. و مکان مباحله، جایی است که اکنون به عنوان «مسجد الاجابه» در شهر مدینه و در نزدیکی بقیع مشهور است. [۱۸] مسیحیان نجران پس از آنکه با پیشنهاد مباحله مواجه شدند، ابتدا با آغوش باز پذیرفتند. یکی از آن‌ها گفت:

«ای ابوالقاسم انصاف دادی، زیرا مباحله آیتی است که میان ما و شما را فیصله می‌دهد.» [۱۹]

و وعده کردند که مباحله را روز بعد انجام دهند» [۲۰]

روز مباحله:

با فرا رسیدن روز مباحله رسول گرامی اسلام در حالی که دست امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را در دست داشت، به همراه حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (س) به محل مباحله آمدند. [۲۱] سران نجران از مشاهده این صحنه به وحشت افتادند. یکی از آن‌ها به همراهان خود گفت: به خدا سوگند من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا بخواهند کوهی را جابجا کند، چنین خواهد کرد. [۲۲] یکی از ایشان به ابوحارثه گفت: برای مباحله نزدیک برو. او گفت: من همانا مردی استوار و جدی برای مباحله می‌بینم و به راستی بیم دارم که راستگو باشد و اگر راستگو باشد یک سال نگذرد که یک نفر مسیحی در دنیا نماند. [۲۳]

مسیحیان از مباحله منصرف شدند و موافقت کردند که با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) صلح کنند و جزیه بپردازند. [۲۴] صلح‌نامه‌ای نوشته شد و مقرر گردید مسیحیان همه ساله تعداد ۲۰۰۰ جامه به عنوان جزیه بپردازند و در این صورت مسیحیان نجران و وابستگان ایشان در پناه خدا و رسولش اهل ذمه خواهند بود، جان و آئین و اموال و زمین‌های ایشان محفوظ خواهد بود. [۲۵] سپس مسیحیان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خواستند تا با آنان حاکمی فرستد تا میان ایشان حکومت (داوری) کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) «ابو عبیده جراح» را فرستاد. [۲۶] چندی بعد "عاقب و سید" به مدینه آمدند و اسلام

آوردند. [۲۷]

دستور الهی مباحله به منظور روشن شدن حقیقت، و آشکار شدن گروه حق و باطل از طرف خداوند متعال تشریح شده است. مباحله میان مسیحیان نجران و رسول اکرم (صلی الله علیه وآله)، حقانیت دین اسلام را آشکار ساخت. مسیحیان نجران چون به این حقانیت پی بردند، حاضر به مباحله نشدند. علاوه بر این با نزول آیه مباحله بار دیگر یکی از فضائل اهل بیت (علیهم السلام) از زبان قرآن بیان شد و جایگاه عالی خاندان عصمت و طهارت به بشریت معرفی شد.

پی نوشت :

[۱]- ابن منظور؛ لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۷۲.

[۲]- بلاذری، احمد بن یحیی؛ فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره، ۱۳۳۷، چاپ اول، ص ۹۵، پاورقی به قلم مترجم به نقل از ابن هشام.

[۳]- مفید محمد بن محمد بن نعمان؛ الارشاد، بی جا، دارالمفید، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۷.

[۴]- مکارم سیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، بی تا، ج ۲، ص ۴۴۷.

[۵]- نجران بلده کوچکی است میان عدن و حضر موت در ناحیه کوهستانی، کوفی، احمد بن اعثم؛ الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تهران، انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۳۶.

[۶]- الفتوح، ص ۱۰۳۶.

[۷]- یعقوبی، ابن واضح؛ تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، چاپ ششم، ج ۱، ص ۴۵۲.

[۸]- احمدی میانجی، علی؛ مکاتیب الرسول، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۹، چاپ اول، ج ۲، ص ۴۹۷.

[۹]- قرآن کریم، سوره آل عمران؛ آیه ۶۴.

[۱۰]- حمیری، ابن هشام؛ سیره رسول الله (ص)، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۵، چاپ پنجم، ج ۱، ص ۳۸۰.

- [۱۱]- واقدی، محمد بن سعد؛ الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۴۶.
- [۱۲]- ابن خلدون، عبدالرحمان؛ پیشین، ص ۴۶۱.
- [۱۳]- حمیری، ابن هشام، پیشین، ج ۱، ص ۳۸۲.
- [۱۴]- همان، ص ۳۸۳.
- [۱۵]- سیوطی، جلال الدین الدر المنشور، بی جا، دارالعرفه، چاپ اول، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۸.
- [۱۶]- کوفی، احمد بن اعثم؛ پیشین، ص ۱۰۳۶ - احمدی میانجی، علی؛ پیشین، ج ۲، ص ۴۹۷.
- [۱۷]- طوسی، محمد حسن؛ مصباح المجتهد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعہ، ۱۴۱۱، چاپ اول، ص ۷۶۴.
- [۱۸]- لنکرانی، فاضل؛ مناسک حج، قم، مهر، ۱۳۷۳، چاپ سوم، ص ۲۴۲.
- [۱۹]- ثمالی، ابو حمزه، تفسیر ابی حمزه ثمالی، قم، الهادی، چاپ اول، ۱۴۲۰، ص ۱۳۴.
- [۲۰]- خرگوشی، واعظ، شرف النبی، تهران، بابک، ۱۳۶۱، ص ۱۴۴.
- [۲۱]- المقریزی، احمد بن علی؛ امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۹۵.
- [۲۲]- همان.
- [۲۳]- یعقوبی، ابن واضح، پیشین، ص ۴۵۱.
- [۲۴]- محمد بن محمد بن نعمان، پیشین، ص ۱۶۸.
- [۲۵]- واقدی، محمد بن سعد؛ پیشین، ص ۳۴۶.

[۲۶]- ابن خلدون، عبدالرحمنه پیشین، ص ۴۶۱ و حمیری، ابن هشام؛ پیشین، ص ۳۸۱.

[۲۷]- همان.

یدالله حاجی زاده

منبع: پیژوهشکده باقر العلوم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۱۷۹۱/چرا-مباهله-آیه-چرا>